

شوند، شور و شوق ما را دوچندان کرده و امنیت خاطری می دهد که مثال زدنی است.

پایگاه تفنگداران و تسکاوران دریایی منجیل که به نام مبارک و دلنشین «قمر بنی هاشم (ع)» مزین شده، حدود نیم قرن است (از سال ۱۳۴۸) که در دامنه کوه های مشرف به منجیل، جابخوش کرده و با منظره ای زیبا از جنگل های سرسبز در هم تنیده در شمال و دریاچه نیلگون سد سپیدرود در جنوب، اصولاً مکانی زیبا برای زندگی و البته تحمل تمرینات سخت تکاوری است؛ فشارهای جسمانی و آموزش های تئوریک در کنار فشارهای روانی مصنوعی.

این جاز بین نیروهای تفنگدار دریایی، عده ای داوطلب رفتن به رسته تکاوری می شوند. البته آن ها باید یک سری آیت مهایی را داشته باشند و تست هایی بدهند و بعد از این تست ها، نفرات برای یک دوره ۶ تا ۸ ماهه انتخاب می شوند. در دوره تکاوری به جز فشارهای جسمانی و آموزش های تئوریک، فشارهای روانی مصنوعی هم تحمیل می شود تا نیرو در شرایط واقعی قرار بگیرد. آن ها ۶ ماه به طور ۲۴ ساعته این جا هستند و مرخصی و خروج از پادگان ندارند. ساعت ۴ و نیم صبح بیداری است و بقیه مدت هم در فشار سخت هستند، حتی ممکن است کاری از آن ها بخواهند و انجام دهند اما مربی به راحتی آن را نابود کند. درواقع مربی تلاش می کند تا این نیرو را به لحاظ روانی به هم بریزد تا افرادی که به لحاظ روحی و روانی قوی نیستند، مشخص شوند زیرا این نیروها مأموریت های سنگینی دارند که بیشتر خارج از کشور بوده و ممکن است اسیر شوند. البته آن ها رفتار زمان اسارت را هم آموزش می بینند، همچنین آموزش زنده ماندن در کویر و کوهستان و جنگل و دریا را هم دارند.

پیشرفت های خارق العاده در حوزه شبیه سازها

یکی از مربیان مرکز، امکانات مرکز منجیل را در میان مراکز آموزشی کشور بی نظیر می داند و در این زمینه به پیشرفت های صورت گرفته در حوزه شبیه سازها اشاره می کند و می گوید: «ما بسیاری از شبیه سازها را داریم، سالن تیراندازی فاتح ما شبیه ساز همه تفنگ ها را دارد و شبیه ساز تیراندازی روی شناور را خودمان ساخته ایم. همچنین سامانه شبیه ساز خروج از زیر دریایی های کلاس سنگین و سبک را نیز داریم؛ ما جایی که آموزش های میدانی را نتوانیم به حالت جنگی مناسب انجام دهیم، دنبال شبیه ساز می رویم زیرا آموزش با شبیه ساز بسیار راحت تر و کم هزینه تر است.»

دوره بعد از تکاوری و کلاه سبز شدن SBS نام دارد، از او که استاد این دوره نیز هست، می خواهیم در این زمینه جزئیات بیشتری بر ایمان بگوئیم و او این چنین توضیح می دهد: «کسانی که دوره تکاوری را گذرانده اند، در ادامه الزاماتی دارند و هر جا که الزامات را نتوانند پاس کنند، دیگر تکاور نیستند. درواقع یک کلاه سبز دریایی باید هر ۳ ماه آزمونی در حوزه غواصی، چتر بازی، دانش نظامی، تست ورزشی و چکاپ پزشکی انجام دهد و هر کسی که امتیاز لازم را کسب نکند، دیگر نمی تواند تکاور باشد. از میان کسانی که تکاور شدند، عده معدودی به عنوان SBS

داوطلب می شوند که آموزش های بسیار سخت تری دارد، زیرا آموزش های آن ها ویژه تر هست، غواصی عمق زیاد دارند و بیشتر در بحث شناسایی برون مرزی و اطلاعاتی هستند.»

غواصی مسیر بسته بدون خارج شدن حباب

مربی مرکز منجیل درباره غواصی در مسیر بسته تکاوران می گوید: «بعد از هفته های اول، برخی افراد می مانند. این تعداد به عملیات ویژه وارد می شوند که باید در محیط های ویژه دریا، کوه، جنگل و کویر تست شوند و زنده بمانند که در قالب یک سناریو خواهد بود یعنی در یک نقطه رها می شوند و باید در زمان مشخص به نقطه مورد نظر برسند. مثلاً در غواصی مسیر بسته، باید عملیاتی انجام دهند بدون این که حبابی بیرون برود که مکانیزم خاص و سختی دارد. بعد از این دوره، تکاوران دوره چتر بازی اتوماتیک را در بوشهر می بینند حتی دوره های ناوبری هم می بینند تا در شرایط خاص توان هدایت شناور را هم داشته باشند.»

۱۶ کیلومتر دویدن تنه برای گرم شدن بدن

صبح روز بعد شاهد یکی از هیجان انگیز ترین تمرینات نظامی بودم. ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه با تعداد است. ارشد دسته با روشن کردن چراغ آسایشگاه و فریاد برپا، همه را بیدار می کند تا آماده ادای نماز صبح شوند. با سوت مربی، گروه ۱۵ نفره تکاوران فعالیت خود را آغاز می کنند، آن ها با ۱۶ کیلومتر دویدن کار خود را شروع می کنند، وقتی بدن هایشان به خوبی گرم شد، نوبت به تمرین در میدان موانع است، محوطه ای بسیار بزرگ که شامل برج های راپل، ماکت های شبیه سازی شده شناورهای کوچک و بزرگ، موانع پاندولی،

سسیم خاردار، حوضچه های آب، رودخانه خروشان و موانع طبیعی دیگر است که عبور موفقیت آمیز از هر یک از آن ها نیاز به آمادگی جسمانی بسیار بالایی دارد. جایی که ۲ گروه تکاور ۴ نفره کلاه سبز باید مسیری ۶ مایلی (حدود کیلومتر) را در زمانی کمتر از یک ساعت بدوند و در این مسیر از تونل های خشک و فاضلاب و رودخانه و جنگل و جاده عبور کرده و البته همه این کارها را در حالی انجام دهند که یک کوله پشتی و تفنگ ژسه را نیز حمل می کنند.

عبور از میان فاضلاب و قورباغه ها

مرحله اول عبور از تونل خشک است. ۲ تونل در عمق یک متری زمین که باید نیروها با صدای سوت مربی به سمت آن ها دویده و سینه خیز عبور کنند، پس از آن درون استخری می پرند که اگر چه عمقش زیاد نیست اما بوی بد فاضلاب و البته قورباغه و پشه هایی که در آن دیده می شوند، چندان دلنشین نیست و تکاوران باید در این حوضچه ضمن حبس نفس شان از درون لوله ای گذر کنند که به نوعی شبیه سازی عبور از باتلاق و کانال های فاضلاب شهری است. این کار در سرما و گرما انجام می شود و به گفته مربیان حتی با شکستن یخ حوضچه نیز چنین تمرینی ادامه داشته است.

با خروج نیروها از حوضچه و با همان حالت خیس و آب کشیده، آن ها باید ۶ مایل دیگر بدونند؛ نیروها باید از رودخانه خروشان عبور کنند و همزمان آرایش خاص نظامی بگیرند و دقایقی را در آن آب سرد سپری کنند و با استتار مخصوص از لایه لای گیاهانی که کنار رودخانه قرار دارند، به نحوی که دشمنان فرضی آن ها را نبینند، از آن جا بگذرند.

تیراندازی بعد از ۶ کیلومتر دویدن سخت

تکاوران با عبور از تپه های پیش روی خود، وارد منطقه ای با پوشش گیاهی انبوه درختان زیتون می شوند و این مسیر را باید همچون مراحل پیش با دویدن بگذرانند، آن ها تا حدودی خسته شده اند و انرژی شان تحلیل رفته اما باید با ۱۲ فشنگی که در اختیار دارند، به سوی سبیل ها و اهداف پیش روی شان شلیک کنند. نکته مهمی که در این بخش وجود دارد، این است که ضریب قلب تکاوران بالا رفته، بنابراین تمرکز روی هدف هایی که مقابلشان هست، کمی سخت می شود ولی به هر حال باید یاد بگیرند که با تمرکز بسیار بالا به سبیل ها شلیک کنند و نمره بالایی بگیرند.

